

احیای گلیم سنتی ایران

از دیرباز گلیم را از میان انواع فرش ترجیح می‌دادم و آرزو داشتم روزی بتوانم قطعاتی از آن را در محیط زندگی‌م بگسترانم. اما تا هشت سال پیش درباره گلیم چیز زیادی نمی‌دانستم. علاقه من به این شاخه از هنر سنتی ایران به خاطر تحصیلات اولیه دانشگاهیم در رشته هنرهای تجسمی بود. فرمهای ساده و رنگهای شاد و زنده گلیم‌های ایرانی را می‌ستودم.

هشت سال پیش به دنبال حوادثی که خارج از موضوع بحث فعلی است، به دنبال کار می‌گشتم. یکی از دوستانم، آقای نادر درفشه، که «گروه طراحان و تهیه‌کنندگان نقشه‌قالی دستباف ایران» را اداره می‌کرد از من خواست سرپرستی تحقیقات مربوط به گلیم را در گروهش به عهده بگیرم.

هدف اولیه ما یافتن رج‌شمار مناسبی برای نقشه گلیم بود. همانطور که می‌دانیم، گلیم سنتی ایران بدون نقشه بافته می‌شود. البته در بعضی مناطق «دستور» مورد استفاده قرار می‌گیرد که قطعه‌ایست بافته‌شده با چند نقش حاشیه و متن گلیم. بافنده به میل خود ابعاد گلیم و نحوه توزیع نقش‌ها را در سطح آن تعیین می‌کند. این شیوه بافت البته دست بافنده را برای ابتکار و عرضه توان هنری‌اش باز می‌گذارد، اما به شرطی که فرهنگ گلیم‌بافی و استفاده از آن در میان قومی زنده و پویا باشد.

همانطور که می‌دانیم سالیان درازی است که صنعت و هنر گلیم‌بافی در ایران رو به افول نهاده و محققان گلیم‌های تازه بافت ایرانی را نمی‌توان با بافته‌های یک قرن پیش مقایسه کرد. در چنین شرایطی نقشه گلیم چنانچه با تکیه بر تحقیقات همه‌جانبه‌ای تهیه شود می‌تواند گامی آغازین برای احیای صنعت و هنر گلیم‌بافی محسوب گردد.

ابتدا تحقیقات ما به کندی پیش می‌رفت چرا که تحقیق در چنین زمینه گسترده‌ای بدون امکانات مالی و نیروی انسانی کافی تقریباً غیرممکن می‌نماید.

در آن هنگام جهاد سازندگی با «گروه طراحان...» ارتباط داشت و چند سالی بود که گروه نقشه‌های اصلاح‌شده قالی مناطق مختلف را با تیراژ محدود برای جهاد تهیه و چاپ می‌کرد. تحقیقات ما در زمینه گلیم مورد توجه مدیر وقت بخش فرش جهاد قرار گرفت و از ما خواست

نوشته‌ای در حدود ۲۰ صفحه راجع به سوابق گلیم ایران تهیه کنیم که بتواند مقدمه‌ای برای عقد قراردادی جهت تحقیق در طرح و رنگ و بافت گلیم به تفکیک مناطق مختلف باشد. تحقیقات جدی و پی‌گیر «گروه طراحان...» در زمینه گلیم به این ترتیب آغاز شد. کلیه مطالب مکتوب درباره گلیم که در دسترس بود مورد مطالعه قرار گرفت. از گلیم‌های مجموعه‌های خصوصی عکس تهیه شد. تجار فرش با خوشرویی به ما اجازه دادند از قطعات باارزش و کمیابی که در اختیار داشتند عکس تهیه کنیم. با افراد صاحب‌نظر در زمینه گلیم مصاحبه‌هایی انجام شد. حدود ۱۰ طراح به بررسی سمبولوژیک طرحها و رنگهای چند نمونه از گلیم‌های مناطق مختلف پرداختند. نوشته‌ای که قرار بود ۲۰ صفحه باشد تبدیل به یک رساله ۲۰۰ صفحه‌ای شد و برای نخستین مرحله تحقیق خیال داشتیم گلیم‌های سنتی بیجار را مورد مطالعه جدی قرار دهیم.



تحقیقات مقدماتی ما شش ماه به طول انجامیده بود و هنگامی که رساله و پروژه طرح تحقیقاتی آماده ارائه برای تصویب به جهاد سازندگی بود، آن مدیر علاقمند به پست مهمتری در نهادی دیگر منتقل شد و پروژه ما آغاز نشده، پایان گرفت. اما چنان علاقه‌ای به ادامه تحقیقات در زمینه گلیم در فرد فرد گروه به وجود آمده بود که تصمیم گرفتیم بدون پشتوانه مالی کار خود را ادامه دهیم.

پس از مدتی به رج‌شمار مناسب دست یافتیم و نقشه‌هایی که طرح کردیم می‌توانستند دقیقاً به ابعاد پیش‌بینی شده بافته شوند.

گروه ما طرح نقشه‌های گلیم شکاف‌دار را هدف خود قرار داد، چون این نوع گلیم از یکسو ساده‌ترین و متداول‌ترین شیوه بافت است و از سوی دیگر به دلیل گستردگی‌اش بیش از بقیه انواع گلیم از نظر طرح و رنگ دچار انحطاط شده بود.

اعتقاد گروه ما بر این است که وجود نقشه برای بافت گلیم می‌تواند باعث احیاء و رونق صنعت و هنر گلیم‌بافی شود. چنانچه بافت نمونه‌های برجسته گلیم سنتی بار دیگر بین بافندگان رواج یابد به تدریج این نقشه‌ها بر ذوق و سلیقه آنان تأثیر می‌گذارد و بافندگان مبتکر قادر خواهند بود قطعات جدیدی بیافند که از نظر کیفیت هنری با کار گذشتگان قابل مقایسه باشد. برنامه کار ما در تهیه نقشه به چند بخش تقسیم می‌شد:

۱ - تهیه نقشه نمونه‌های برجسته گلیم ایران که در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی نگهداری می‌شوند.

۲ - عرضه همین نقشه‌ها با رنگ‌بندی متفاوت اما متعلق به بافته‌های منطقه‌ای که نقشه مربوط به آن است.

۳ - مطالعه ویژگیهای نقوش هر منطقه و طرح نقشه جدید گلیم بر اساس طرحها و رنگهای مورد استفاده در هر منطقه.

۴ - استفاده از نقوش قالی مناطق مختلف و تطبیق آن با محدودیت‌های بافت گلیم شکاف‌دار.

۵ - طرح نقشه‌های جدید با الهام از ویژگیهای سنتی فرش ایران به طور کلی.

گروه ما به آهستگی کار خود را دنبال می‌کرد تا اینکه یکی از کارخانه‌داران خوش‌ذوق و علاقمند به هنر ایران از ما خواست یک کارگاه گلیم‌بافی را در شمال کشور برای او سازمان بدهیم. در این کارگاه حدود ۳۰ دختر که تحصیلات اکثر آنان در حد دیپلم دبیرستان بود تحت آموزش قرار گرفتند. البته برای آموزش چند تن از بافندگان ماهر گلیم سنتی استخدام شدند و در محل کارگاه به تعلیم دختران پرداختند. ضمناً طبق قراردادی گروه ما هر ماه چندین نقشه برای این مؤسسه تهیه می‌کرد و کارشناسان ما در فواصل معین از کارگاه بازدید می‌کردند و به رفع اشکالات پیش‌بینی‌نشده می‌پرداختند. این همکاری دو سال به طول انجامید و گروه ما بیش از ۱۰۰ نقشه گلیم مناطق مختلف ایران در چندین رنگ‌بندی تهیه کرد.

طراحان ما برای تسلط بیشتر به کار تهیه نقشه گلیم، بر آن شدند تا بافت سنتی گلیم را نیز بیاموزند و به این منظور مدتی نزد بافندگان سنتی آموزش دیدند. از جمله خود من نیز این

آموزش را دنبال کردم. البته اطلاعات بافنده سنتی نه مدون است و نه کامل. بافنده سنتی قادر نیست دلیل بسیاری از اعمالی را که انجام می‌دهد، توضیح دهد، حتی نام بسیاری از نقشه‌هایی را که می‌بافد نمی‌داند. ضمناً برخی از شگردها را نیز برای خود نگه می‌دارد و حاضر به آموزش آن نیست. در نتیجه بافنده سنتی نمی‌تواند پاسخگوی نیاز امروزمین آموزش باشد. به این منظور علاوه بر آنکه نکات مختلف را از افراد مختلف آموختم، هر تجربه و دانسته‌ای را یادداشت می‌کردم. از آنچه درباره شیوه بافت در کتابهای خارجی نوشته شده بود نیز بهره گرفتم. آنقدر بافتم و شکافتم تا بسیاری از نکات مبهم برایم روشن شد.

از آنجا که بخش گلیم «گروه طراحان...» وسعت قابل ملاحظه‌ای یافته بود، آن را تحت نام «بی‌بی‌باف» به صورت مستقل درآوردیم و تصمیم گرفتیم علاوه بر آموزش گلیم‌بافی، تولید را نیز تجربه کنیم.

در بخش آموزش به کمک نقشه و -دانسته‌های مدون، موفق شدیم کلیه ظرائف گلیم شکاف‌دار را از مرحله چله‌کشی تا پایان کار طی ۴۵ ساعت آموزش دهیم و به این ترتیب گلیم‌بافی را به بسیاری از دختران و زنان شهری آموختیم.

امید ما این بود که دختران و زنانی که آموزش می‌بینند به کار تولید گلیم بر اساس نقشه‌هایی که «بی‌بی‌باف» تهیه کرده مشغول شوند. چندین نمونه نیز به این ترتیب بافته شد. اما هر یک از بافندگان به دلیلی کار را ادامه ندادند.

تجربه‌ای نیز در چند روستای ساوه انجام دادیم که به دلیل آنکه نمی‌توانستیم یکی از افراد گروه را به طور دائم در روستا مستقر کنیم، ادامه نیافت.

علت اصلی عدم استقبال از بافت گلیم به نظر ما اقتصادی است زیرا بافنده نمی‌تواند از بافت گلیم حداقلی را که از کار دیگری کسب می‌کند به دست آورد.

تحقیقات ما نیز برای تهیه نقشه به آرامی پیش می‌رود، چرا که باید برای حفظ کارگاه «بی‌بی‌باف» و تأمین هزینه آن به کارهای دیگری که ارتباطی به گلیم و گلیم‌بافی ندارد پردازیم.

در حقیقت برای احیاء و شکوفایی هنر گلیم‌بافی باید منابع و امکانات دولتی و دانشگاهی را به کار گرفت و آن را به عنوان بخشی از میراث فرهنگی ایران حفظ کرد و توقع هیچ نوع سودآوری را نیز نداشت.

